

بداء و افتتان و امتحان

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (19) - آثار حضرت بهاء الله - امر و خلق، جلد 1

۱۹ - بداء و افتتان و امتحان

از حضرت بهاء الله در کتاب ایقان است قوله الاعلی: "و بعد از مدتها چند مرتبه وعده انزال نصر باصحاب خود فرمودند و در هر مرتبه بداء شد و بعضی از آن اصحاب معدوده بعثت ظهور بداء اعراض مینمودند تا آنکه باقی نماند از برای آنحضرت مگر چهل نفس و یا هفتاد و دو نفس ... و تصدیق نمائید که امتحانات الهیه همیشه در مابین عباد او بوده و خواهد بود تا نور از ظلمت و صدق از کذب و حق از باطل و هدایت از ضلالت و سعادت از شقاوت و خار از گل ممتاز و معلوم شود چنانچه فرموده الم احسب الناس ان یتروا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون."

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز: "اینها المنشرحه الصدر بانوار الملكوت اعلمی انّ الحکمة الالهیه اقتضت ظهور الامتحان و الافتتان فی عالم الامکان و لا یکاد یتّم امر فی الوجود من غثه و ثمینه و حقیره و خطیره الا بالامتحان فلو کان ابواب الراحة و الغنی مفتوحه علی وجه حواری المسیح من این کان یظهر خلوص پطرس الحواری من خباثة یهودا الاسخر یوطی انما ظهر فضائل الاول و رزائل الثاني بسبب الامتحان و الافتتان فهذا من جملة حکم ظهور الامتحان فی عالم الانسان و قوله العزیز امتحان از برای صادقان موهبت حضرت یزدان است زیرا شخص شجاع بمیدان امتحان حرب شدید بنهایت سرور و شادمانی بشتابد ولی جان بترسد و بلرزد و بجزع و فرع افتد و همچنین تلهید ماهر دروس و علوم خویش را بنهایت مهارت تتبع و حفظ نماید و در روز امتحان در حضور استادان در نهایت شادمانی جلوه نماید و همچنین ذهب خالص در آتش امتحان با روی شکفته جلوه نماید پس واضح شد که امتحان از برای نفوس مقدسه موهبت حضرت یزدان است اما از برای نفوس ضعیفه بلای ناگهان."

حاشیه

در قرآن در سوره قتال است قوله تعالی: "ولنبلونکم حتی تعلم المجاهدین منکم و الصابین و نبواخیرکم."

و در کتاب کافی در باب البداء از حضرت صادق است . ما بعث الله نبیا حتی یأخذ علیه ثلاث خصال الاقرار له بالعبودية و خلع الانداد و ان الله یقدم ما یشاء و يؤخر ما یشاء



ORIGINAL

و در تورات است . تارة اتكلم على امه و على مملكة بالقلع و الهدم و الاهلاك فترجع تلك الامة التي تكلمت عليها عن شرّها فاندم عن الشرّ الذي قصدت لمن اضع بها و تاره اتكلم على امه و على مملكة بالبناء و الغرس فتفعل الشرفى عيني فلا تسمع لصوتى فاندم عن الخير الذى قلت انى احسن اليها به .

و در کتاب مجمع البحرين است . و قد تكثرت الاحاديث من الفريقين فى البداء مثل اعظم الله بمثل البدا و قوله ما بعث الله نبيا حتى يقوله بالبدا و فى حديث صادق ما بد الله فى شئى كما بد الله فى اسمعيل ابني . از مواضع بدا در قديم و جديد و قرآن قصه ذبح اسحق يا اسمعيل در غايت شهرت است و از مواضع آن در دوره حضرت رسول آيه قرآنيه و ما جعلنا الرؤيا التى اريناك الا فتنة للناس و شان نزول آن نيز كمال شهرت دارد و بداء مذکور در حق اسمعيل بن جعفر در آثار اين امر نيز مذکور است و در کتاب بيان عقیده بداء از ارکان ايمان ثبت گردید و مواضع كثيره از بداء در دوره اين امر بداء در قيام بمکه ياظهر كوفه در دوره حضرت نقطه يا بداء در حق محمد على شاه در دوره حضرت عبدالبهاء در تاريخ اين امر ثبت ميباشد .